

حمیدرضا شکوهی: | ماجرای توتال، زنگنه و دیگران

[ماجرای توتال، زنگنه و دیگران](#)



با حمل جکت فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی از قشم، در عمل توسعه این فاز پرماجرا کلید خورد، اما همزمان انتقادهای به بیژن زنگنه هم دوباره آغاز شده که چرا از ابتدا این میدان به شرکتهای داخلی واگذار نشد و چرا این همه تاخیر شد؟ بگذارید ماجرا را از سال ۹۲ مرور کنیم؛ زمانی که با روی کار آمدن دولت حسن روحانی، زنگنه دوباره به رأس وزارت نفت بازگشت.

زنگنه وارث پروژههای نیمه‌کاره متعددی شده بود که وزرای دولت قبل (مسعود میرکاظمی و رستم قاسمی) آغاز کرده بودند، اما به دلیل کمبود منابع مالی و ضعف تکنولوژی که حاصل تحریمهای شدید آن روزها بود، سرعت پروژهها بسیار کم بود. در واقع وزرای قبل از زنگنه، مهم‌ترین نقطه مثبت عملکرد خود را تعیین تکلیف همه پروژههای مهم از جمله پارس جنوبی می‌دانستند و با همین رویکرد، فاز ۱۱ پارس جنوبی را هم به‌عنوان پیچیده‌ترین فاز منطقه، در ماه‌های آخر حیات دولت به شرکت پتروپارس واگذار کردند. پتروپارس البته پیرو مشارکت با استات‌اویل در فازهای قبلی پارس جنوبی - در دولت اصلاحات و پیش از تحریم - تجربیات فراوانی داشت و شرکت معتبری بود. اما ویژگی فاز ۱۱ که نیازمند سکوهای فشارافزا بود و فناوری آن در ایران وجود نداشت و همچنین وضع مالی سخت کشور در آن سالها که امکان تزریق منابع مالی به پتروپارس را حتی برای شروع پروژه، غیرممکن کرده بود، سبب شد با تغییر دولت، فاز ۱۱ مسکوت بماند. زنگنه، با اولویت‌بندی پروژههای موجود، منابع مالی و امکانات محدود موجود را معطوف به پروژههای با درصد پیشرفت بالاتر کرد که روش قابل قبولی بود. در این میان، مذاکرات با شرکت توتال برای توسعه فاز ۱۱ از سر گرفته شد و این مذاکرات پس از برجام و پیش از روی کار آمدن دولت دوم روحانی به نتیجه رسید. با این حال با تغییر دولت در آمریکا و خروج ترامپ از برجام، توتال هم مانند سایر شرکتهای غربی، مجبور به عقب‌نشینی شد تا فاز ۱۱ دوباره در بن‌بست بماند.

حالا منتقدان بیژن زنگنه او را متهم می‌کنند چرا از ابتدا پروژه را به پتروپارس واگذار نکرده و چرا منتظر توتال مانده است. در حالی که خودشان هم می‌دانند در شرایط اولویت‌بندی پروژه‌های نیمه‌کاره و کمبود منابع مالی، اتفاقاً عاقلانه‌ترین راه، مذاکره با توتال بود که به نتیجه هم رسید، اما چه کسی تصور می‌کرد برجام که با ماه‌ها مذاکرات شبانه‌روزی حاصل شده بود به همین راحتی توسط ترامپ نادیده گرفته شود؟!

می‌گویند چرا پروژه با شرکت ایرانی شروع نشد تا بخش دوم پروژه که پیچیده‌تر است به توتال واگذار می‌شد در حالی که مطرح‌کنندگان این موضوع خودشان هم می‌دانند هیچ شرکتی، حاضر به توسعه بخش دوم پروژه بدون در اختیار گرفتن بخش اول که ساده‌تر و جذاب‌تر است نمی‌شد. این پروژه یک مجموعه بود که نمی‌توان آن را به طور بخشی بررسی کرد.

جالب است که امروز در حالی زنگنه متهم به تأخیر در اجرای فاز ۱۱ و عدم اطمینان به شرکت‌های داخلی می‌شود که در زمان دولت اصولگرا با ادعای حمایت از شرکت‌های داخلی، نزدیک به هشت سال پروژه را معطل خارجی‌ها نگه داشتند، اما امروز صدایش را هم در نمی‌آورند! وزیری هاما نه اولین وزیر نفت دولت احمدی‌نژاد در فروردین ۸۶ از تداوم مذاکره با توتال درباره فاز ۱۱ سخن گفته بود. نوذری وزیر نفت دوم دولت احمدی‌نژاد در بهمن ماه ۸۷ گفت که توتال در اجرای فاز ۱۱ بار دیگر اعلام علاقه‌مندی کرده و ایران به موضع‌گیری اخیر این شرکت به‌عنوان یک نگاه رسمی می‌نگرد. جالب است که نوذری دو سال قبل از آن وقتی مدیرعامل شرکت ملی نفت بود از مهلت چهار ماهه ایران به توتال خبر داده بود!

در سال ۸۸ تصمیم گرفتند پروژه را به چینی‌ها واگذار کنند، اما چینی‌ها آنقدر در فاز ۱۱ وقت تلف کردند که سرانجام «چون ریسک توسعه فراساحل برای چینی‌ها بالا بود» قرارداد با آنها هم فسخ شد. آن زمان نه تنها کسی از چینی‌ها تضمین نگرفت، بلکه حتی به عنوان پاداش، آن‌گونه که سخنگوی دولت وقت اعلام کرد قرار شد یک میدان کم‌ریسک‌تر به آنها واگذار شود!

همان کسانی که هشت سال در فاز ۱۱ به‌خاطر توتال و چین، وقت تلف کردند و در ماه‌های آخر دولت اصولگرا که دیگر پولی در خزانه نمانده بود، یادشان افتاد باید پروژه را به پتروپارس واگذار کنند، امروز مدعی لزوم حمایت از نیروهای داخلی و نگران تأخیر در پروژه شده‌اند، در حالی که اگر کمی با دیده انصاف، این داستان را

مرور کنیم صدق مدعای آنها آشکار می‌شود.

حمیدرضا شکوهی

منبع: روزنامه اعتماد

کد خبر 302611